

آشنایی با برنامه توسعه مراکز نوآوری دانشگاهی و مراکز پژوهشی

مقدمه

یکی از درس‌های مهم دو دهه اخیر، نشان دادن نقش حیاتی نوآوری در توسعه اقتصادی کشورها است. ایجاد ظرفیت‌های نوآوری، جایگاهی محوری در پویایی و رشد کشورهای موفق در حال توسعه داشته است. از آن روست که در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به مفهوم «اقتصاد دانش‌بنیان» شده است و نگاه سیاست‌گذاران اقتصاد و نوآوری را به عنوان شاه کلید برون‌رفت از معضلات اقتصادی کشور به خود معطوف داشته است. گذار از اقتصاد مبتنی بر منابع به سوی اقتصاد دانش‌بنیان ضرورت پرداختن به دو ایده را ناگزیر می‌سازد: نخست، ایجاد دانش و ارزش افزوده حاصل از آن در مقیاس ملی و دپلگری، به کارگیری دانش در تمامی صنایع و فعالیت‌های اقتصادی. از این منظر، موفقیت اقتصادی در جهان امروز، به طور فزاینده با بهره‌مندی از منابع دانش، نوآوری و فناوری گره خورده است.

از دیدگاه معاونت علمی و فناوری، مرکز نوآوری مرکزی است که مأموریت آن انجام مجموعه‌ای از اقدامات حمایتی خاص و هدفمند در جهت توانمندسازی اجزاء و هماهنگی آن‌ها و در نهایت توسعه زیست‌بوم کارآفرینی و نوآوری در نهادهای دانشی مانند دانشگاه‌ها، و نهادهای صنعتی خدماتی مانند بنگاه‌های اقتصادی است.

از این رو، نهادهای حاکمیتی و سیاست‌گذار علم و فناوری، پیوسته در پی برنامه‌ها و ابزارهایی هستند که نقش نوآوری را برجسته ساخته و بدین ترتیب، رشد و توسعه اقتصادی را به ارمغان آورند. بر این اساس، برنامه‌های متعدد و متفاوتی در سالیان اخیر مدنظر قرار گرفته است که به نظر می‌رسد همه و همه با عنایت به یک ایده محوری به وجود آمده‌اند: توسعه و پرورش نوعی زیست‌بوم نوآوری و کارآفرینی حول دارایی‌های علم و فناوری. به جرأت می‌توان گفت یکی از عناصر اساسی در این زیست‌بوم، تشویق نوآوری و کارآفرینی دانشگاهی با تکیه بر اعضای هیأت علمی و دانشجویان است. از این روی یکی از برنامه‌های موفق که در این عرصه بالندگی اقتصاد مبتنی بر دانش، فناوری و نوآوری را محور توجه خود قرار داده است، برنامه حمایت از ایجاد و توسعه مراکز نوآوری است.

مروری بر مفاهیم

انتقال سیاست را «دانشی درباره چگونگی استفاده از یک سیاست، ترتیبات اجرایی، نهادها و ایده‌های یک تنظیمات سیاسی (در گذشته یا حال) در توسعه سیاست‌ها، ترتیبات اجرایی، نهادها و ایده‌های تنظیمات سیاسی دیگر» [۱] دانسته‌اند. بر این اساس تجربیات موفق در زمینه‌های مختلف مورد الگوبرداری قرار می‌گیرند و سپس در طول زمان و برحسب اقتضات جامعه مقصد، تکامل می‌یابند. در دهه‌های گذشته شدت این الگوبرداری‌ها و تکامل یافتن‌ها رو به فزونی بوده است. بر این اساس نهادی مانند پارک‌های علم و فناوری، پس از موفقیت نمونه‌های مشابه، توسط کشورها و جوامع متعددی از جمله ایران الگوبرداری شد. این الگوبرداری‌ها؛ البته نقصان‌ها و کاستی‌هایی را به همراه داشته است. اما الگوبرداری‌ها می‌تواند سرنوشت پیچیده‌تری نیز بیابد؛ زمانی که نام‌ها و برندهای تجاری نیز در این میان وارد می‌شوند. به عنوان مثال در تاریخچه سیاست‌های نوآوری در ایران به موضوعی مانند «کریدورهای علم و فناوری» برمی‌خوریم. کریدورها، در ادبیات تخصصی موضوعی غیر از همان پارک‌های بزرگ فناوری یا مناطق نوآوری نیست. همچنین

در ادبیات موضوعی از عنوان «گلخانه‌های نوآوری» یا «کشتزارهای نوآوری» استفاده می‌شود. این گلخانه‌های نوآوری انواع مختلفی از نهادهای توسعه‌دهنده نوآوری هستند. این نهادها هر یک بخشی از «زیست‌بوم نوآوری» را شکل می‌دهند. بخشی از زیست‌بومی که در نهایت منجر به بهبود وضعیت نوآوری در یک جامعه می‌شود. به این ترتیب، گلخانه‌های نوآوری در واقعیت، کارکردهای مختلف مربوط به توسعه نوآوری در حوزه‌های مختلف کسب‌وکار است. هرچند مفهوم «گلخانه‌های نوآوری» در دنیای امروز، فراتر از نهادهای کسب‌وکاری در نظر گرفته شده است و به نوعی یک مدل شهری مکمل جدید در حال ظهور است. اندیشگاه بروکینگز به عنوان یکی از برترین اندیشگاه‌های جهان در سال ۲۰۱۴ گزارشی را به همین امر اختصاص داد. در این گزارش از واژه عام «مناطق نوآوری» بهره می‌برد. این مناطق را می‌توان پارک‌های علم و فناوری یا کریدورها یا مناطق آزاد تجاری با گرایش فناوری دانست، که در آن نوآوری مورد توجه ویژه قرار می‌گیرد. مناطق نوآوری شکل‌دهنده کلان‌روندهایی هستند که ترجیحات مکانی افراد و شرکت‌ها را تغییر می‌دهند و در عین حال ارتباط میان عناصر اقتصادی، مکان‌یابی و شبکه‌های اجتماعی را بازسازی مجدد می‌کنند.

گلخانه‌های نوآوری انواع مختلفی از نهادهای توسعه‌دهنده نوآوری هستند که هر یک بخشی از «زیست‌بوم نوآوری» را شکل می‌دهند و در نهایت منجر به بهبود وضعیت نوآوری در یک جامعه می‌شوند.